

با تکیه بر تاریخ بیهقی در عصر غزنوی

دیوان رسالت

یکی از تشکیلات مهم کشوری در عصر غزنوی دیوان رسالت بود. دیوانی که مکاتبات دولتی در آنجا صورت می‌گرفت. دیوان رسالت در دوره‌های مختلف با نام دیوان رسائل و مکاتبات، دیوان انشاء، دیوان رسائل، دیوان رسالت، دیوان طغرا، دیوان رسالت و انشا نامیده شده است (اصطلاحات دیوانی: ۱۶۰). در تاریخ بیهقی این دیوان به «دیوان رسالت» معروف است که از مهم‌ترین سازمان‌های دولتی دوره‌ی غزنوی به‌شمار می‌رفت و متصدیان دیوان مزبور از بانفوذترین مردان زمان خود و از محرمان اسرار سلطان وقت بودند. مهم‌ترین عضو دیوان رسالت رئیس دبیران بود که در تاریخ بیهقی به‌نام «صاحب دیوان رسالت» آمده است. او ریاست این دیوان را برعهده داشت و منشیان و دبیران متعددی تحت نظر او کار می‌کردند. این مقام در دوره‌ی غزنوی مخصوصاً در زمان مسعود از اهمیت خاصی برخوردار بود و برترین شخصیت بعد از وزیر به‌شمار می‌آمد که سلطان در مهمات ملک با او مشورت می‌کرد و نیز اولین کسی بود که از مفاد نامه‌های اطراف و اکناف در دیوان آگاهی می‌یافت. او از میان دبیران باکفایت، با تجربه و امینی برگزیده می‌شد که در حل و عقد مسائل حکومت و معضلات کشور از «نمودن راه صواب» باز نمی‌ماندند. اعضای دیگر دیوان رسالت را دبیران تشکیل می‌دادند. «دبیران کسانی بودند که استعداد بسیاری در انشای گزارش‌ها، معاهدات سیاسی و مکاتبات رسمی داشتند. این گروه می‌توانستند مقامات اداری دیگر را اشغال کنند» (ایران از آغاز تا اسلام: ۳۷۳) آنان سیاستمداران حقیقی به‌شمار می‌رفتند و همه‌ی اسناد دولتی را آن‌ها ترتیب می‌دادند و مکاتبات دولتی را ثبت و ضبط می‌کردند (ایران در زمان ساسانیان: ۲۸۹، حاشیه).

یکی از دبیران برجسته‌ی دوره‌ی غزنوی که مسئول بیاض کردن [پاک‌نویس] نامه‌ها بود، ابوالفضل بیهقی است. او و دیگر دبیران در دیوان رسالت به سرپرستی بونصر مشکان دبیری می‌کردند. از این‌رو در جای جای تاریخش نکات بسیاری در باب طبقه‌ی دبیران به چشم می‌خورد و توصیفات ارائه شده‌ی او درباره‌ی موقعیت و وظایف و ویژگی‌های این طبقه‌ی اجتماعی، که خود عضو آن بود، توصیفی صرفاً آرمانی نبوده بلکه در عمل نیز تحقق می‌یافته است. انتخاب صاحب دیوان رسالت، یعنی رئیس دبیران، با سلطان بود. به این ترتیب که سلطان خودش به شخص مورد نظر پیش نهاد می‌کرد و پس از شور و بررسی او را به ریاست این دیوان بر می‌گزید. سپس به فرمان سلطان خلعت «صاحب دیوانی» می‌پوشید. آن‌گاه با حضور در دیوان رسالت به اداره‌ی آن دیوان می‌پرداخت. گاهی سلطان برای این‌که کارهای این دیوان بهتر انجام گیرد، شخصی مورد اعتماد را به عنوان «نائب» یا «خلیفه»‌ی صاحب دیوان بر می‌گزید. در انتخاب دبیران نیز گاهی صاحب دیوان رسالت از امیر اجازه می‌گرفت تا اشخاص شایسته‌ای را به دیوان رسالت آورد. آن‌گاه پس از موافقت امیر با پیش نهاد او آن افراد به دبیری مشغول می‌شدند. در تاریخ بیهقی (ص: ۸-۳۵۶) می‌بینیم که ابوالقاسم علی نوکی از بونصر مشکان می‌خواهد که پسرانش، مظفر، منصور، بونصر و بوبکر را به کار دبیری مشغول کند. صاحب دیوان این موضوع را به سمع امیر می‌رساند و سپس به صلاح‌دید وی آنان را به شغل دبیری می‌گمارد. در هر حال انتخاب اشخاص برای شغل دبیری با صلاح‌دید سلطان انجام می‌گرفت و کسی که به عنوان دبیر برگزیده می‌شد، مورد

چشمگیری

مقاله به دو بخش «دیوان رسالت» و «شرایط و صفات دبیران» اختصاص یافته و با تکیه بر تاریخ بیهقی ویژگی آن‌ها به اختصار بیان شده است.

کدوژده‌ها

دیوان رسالت، اعضای دیوان، صاحب دیوان، شرایط دبیران

و عدلیس مرکز بنام نور روزنسر
دبیر می‌آید: پیش‌دانشگاهی
کمال مرتضی زاده

تأیید صاحب دیوان رسالت بود. دبیران پس از انتخاب در دیوان حضور می‌یافتند و به دبیری و نویسندگی مشغول می‌شدند.

جایگاه دیوان رسالت «طارم (= سرپرده یا عمارت گنبدی شکل) نام داشت. طارم در سرای بیرونی یا در باغ و رو به روی خضراء واقع شده بود. بیهقی (ص: ۱۷۵) می‌گوید: «و طارم سرای بیرون دیوان ما بود». در جای دیگر می‌نویسد: «(امیر) گفت روید آن‌جا و خالی بنشینید که جایگاه دبیران است. و به طارم که میان باغ بود بنشستند که جایگاه دیوان رسالت بود. (همان: ۶۷). هنگامی که پادشاهان به قلعه‌ای می‌رفتند، دیوان رسالت را در «مسجد دهلیز» تشکیل می‌دادند. بیهقی می‌گوید: (ص: ۸۳۳) هنگامی که امیر به قلعه‌ای غزنین رفت «من و دیگر دبیران در آن مسجد دهلیزی که دیوان رسالت آن‌جا آرند، به‌وقتی که پادشاهان بر قلعت روند، بودیم». هم‌چنین در سفرهای جنگی و گردش در اطراف مملکت هرگاه سلطان در جایی درنگ می‌کرد، چادرهایی برای اسکان دبیران و تجهیزات آن‌ها بر می‌افراشتند. ضمناً، جایگاه خاص هر یک از این اعضا در دیوان رسالت براساس رتبه‌ی علمی و اداری آنان مشخص می‌شد.

شرایط و صفات دبیران

در تاریخ بیهقی، ضمن آشنایی با زندگی آنان، به ویژگی‌ها و خصوصیات این طبقه، که غالباً جنبه‌ی علمی داشته، به کرات اشاره شده است. با تحقیق در این تاریخ، که نویسنده‌اش خود یکی از دبیران برجسته‌ی عصر غزنوی بود، شرایط و صفات این قشر به شرح زیر مشاهده می‌شود:

الف) امانت‌داری و حفظ اسرار: رازداری و حفظ امانت و اسرار نامه‌ها، یکی از شرایط مهم دبیری است. زیرا دبیران به مقتضای شغلشان بر بسیاری از نامه‌های سرّی آگاهی می‌یافتند. حتی در برخی مواقع نامه‌هایی به دیوان می‌رسید که جز سلطان و صاحب دیوان رسالت کسی از مضمون آن مطلع نمی‌شد. از این رو دبیر باید رازدار، امین و مورد اعتماد می‌بود و بدون اجازه‌ی صاحب دیوان، محتوای نامه‌ها را برملا نمی‌ساخت. بیهقی در وصف دیوان رسالت در بلخ می‌گوید: بونصر مشکان نسخه‌ای که نام دبیران در آن نوشته بود، نزد امیر مسعود برد. او گفت عبیدالله بنسه ابوالعباس اسفراینی و بوالفتح حاتمی شایسته‌ی دبیری نیستند؛ چون «این دو تن در روز گذشته مشرفان بوده‌اند از جهت مرا در دیوان تو، امروز دیوان را نشانید. بونصر گفت: بزرگا غبنا که این حال امروز دانستم. امیر گفت: اگر پیش‌تر مقرر گشتی چه کردی؟ گفت هر دو را از دیوان دور کردمی که دبیر خائن به‌کار نیاید (ص: ۱۷۶). در جای دیگر در باب مورد اعتماد بودن دبیران می‌گوید: خواجه احمد حسن در آغاز دوره‌ی دوم وزارتش (۴۲۲) به این دلیل بومحمد قاننی و ابراهیم بیهقی دبیر را به دیوان آورد که به آن دو اعتماد داشت (ص: ۱۹۲).

ب) نویسندگی: قدرت در نویسندگی و پروراندن مطلب در انواع نوشته‌ها «چنان‌که مناسب حال و مقام باشد» هنری است که از دبیران شایسته بر می‌آید. «هنر نویسندگی بیهقی»^۱ و نیز استادش بونصر مشکان، بهترین نمونه برای این ویژگی دبیران است. این دو نویسنده‌ی توانا، قدرت خاصی در بیان مطلب به‌طرز بیان داشتند و فصاحت و بلاغت در سخنوری را رعایت می‌کردند. نوشته‌های به‌جا مانده از آن دو سخن را تأیید می‌کند. گفتنی است که صاحب دیوان باید این

نکته‌دانی‌ها را بیش از دیگران دارا باشد. دبیر باید «در بیرون شدن از مضایق (دبیری) و نوشتن نامه‌ها» چیره دست باشد. بیهقی اشخاص دارای این خصوصیت را «دبیری نیک» یا «کافی تر و دبیر تر اینای عصر» یاد می‌کند. (صص: ۱۷۶، ۱۹۳، ۸۶). از طرف دیگر دبیرانی را که از این ویژگی برخوردار نبودند، در دبیری «پیاده» می‌نامد. در معرفی بومحمد دوغابادی می‌گوید: «مردی (بود) سخت فاضل و نیکو ادب و نیکو شعر و لیکن در دبیری پیاده‌گونه» (ص: ۳۵۷).

ج) تجربه و ممارست در دبیری: تجربه داشتن از امتیازات دبیران و عامل مؤثری در تصاحب ریاست دیوان رسالت بود. روش دقیق نوشتن نامه‌ها و مخصوصاً نامه‌های سلطانی در نتیجه‌ی تجربه و ممارست در امر نوشتن حاصل می‌شد. از تاریخ بیهقی بر می‌آید که رسیدن به مقام «نشستن» و دریافت «مشاهره (=حقوق ماهیانه) براساس تجربه‌ی داشتن معلومات و هنر نویسندگی به‌دست می‌آمده است. هم‌چنین داشتن سن طولانی بسیار مؤثر بوده است از این رو، یکی از دلایلی که بیهقی نتوانست بعد از درگذشت بونصر، صاحب دیوان شود در تاریخش چنین آمده است: «او در خلوت گفته بود (امیر) که اگر بوالفضل سخت جوان نیستی آن شغل (صاحب دیوان رسالت) به‌وی دادیمی» (ص: ۸۰۰).

د) داشتن خطی خوش و دل‌پسند: خوش خط بودن ویژگی دیگر دبیران بود. بیهقی در شرح احوال بعضی دبیران به این صفت آنان اشاره کرده است. در باب معرفی عبیدالله بنسه ابوالعباس اسفراینی می‌نویسد: «او برنایی خویش‌ن‌دار و نیک‌خط است و از وی دبیری نیک آید» (ص: ۱۷۶) و در جای دیگر می‌گوید: «و بونصر بستنی دبیر که امروز بر جای است، مردی سدید و دبیری نیک و نیک‌خط است» (صص: ۱۹۲-۱۹۳). هم‌چنین از خط مظفر و بومنصور، فرزندان بوالقاسم علی نوکی، به نیکی یاد می‌کند (ص: ۳۵۷). بیهقی خودش نیز خط دل‌پسندی داشت و نامه‌هایی را که بونصر می‌نوشت، پاک‌نویس می‌کرد.

ه) ویژگی‌های دیگر: داشتن مهارت در زبان و ادب عربی، تا بتواند نامه‌هایی را که از خلیفه می‌رسید ترجمه کند، سخنور بودن جهت خواندن نامه‌ها در حضور همگان، آگاهی داشتن از علوم مختلف، مطلع بودن از اخبار گذشته و دانستن حکایات متعدد، داشتن احتیاط و دقت در ثبت وقایع، سدید (=راستگو) بودن، خویش‌ن‌داری و داشتن «ادب نفس» و «ادب درس» برخی از ویژگی‌های دبیران است.

پژوهش

۱. مسجدی بود در دالان ورودی قلعه که برای نماز خواندن دیوانیان می‌ساختند. ۲۰.
۲. اطلاع از هنر نویسندگی بیهقی. ر.ک: یادنامه، مقاله‌ی دکتر یوسفی، ص: ۷۹۹.

منابع

۱. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، ج ۳، انتشارات علمی، ۱۳۷۱. ۲۰. جهیشیاری، ابو عبدالله محمدبن عبدوس، الوزراء و الکتاب، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، ۳۰. انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی دوره‌ی غزنوی و سلجوقی، انتشارات سخن، ج ۲، ۱۳۷۳. ۴۰. گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۷۵. ۵۰.
۱. یادنامه‌ی ابوالفضل بیهقی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ج ۲، ۱۳۷۴.